

## عبور خط لوله گاز از منطقه افغانستان (ترکمنستان - افغانستان - پاکستان)

### ب. ناربیف<sup>۱</sup>

پروژه خط لوله سراسری گاز افغانستان برای منطقه بسیار حائز اهمیت است. پیشنهاد ساخت این خط لوله به اواسط سالهای ۹۰ و به دوران قبل از طالبان برمیگردد و سپس اولین بار در همایش سال ۲۰۰۲ در عشق‌آباد مطرح شد و در اولین گردهمایی وزرا در عشق‌آباد به امضا رسید و امضای آن نشان‌دهنده اهمیت و تمایل کشورهای منطقه نسبت به این خط لوله است. بر حسب توافق بین دولتهای پاکستان، ترکمنستان و افغانستان در مه سال ۲۰۰۲ مسیر این خط لوله از دولت‌آباد (ترکمنستان) از طریق قندهار (افغانستان) به گوآدار، بازسازی و در سطح وسیعی اجرا شده و نیازهای کنونی را به منظور انتقال گاز فشرده به کشتی‌ها مرتفع خواهد نمود. پروژه مذکور توانایی ایجاد شبکه خطوط گازی و نفتی را دارا می‌باشد و زیربنای شکل‌گیری حمل و نقل انرژی بوده که کریدور منطقه‌ای و سیستم خطوط را تشکیل و سوددهی را برای کشورهایی که در این منطقه واقع شده‌اند به ارمغان می‌آورد.

در پی حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱، احیاء پروژه خط لوله ترکمنستان در خاک پاکستان از طریق منطقه افغانستان همچنان در دست اجرا است و برآورد اهمیت آن برای این کشورها و کل این منطقه پهناور دور از ذهن می‌باشد.

بعد از همایش رهبران سه کشور در بالاترین سطح و توافقاتی که بین آنها در ۱۰-۹ جولای ۲۰۰۲ صورت گرفت. اولین بار در عشق‌آباد همایشی تحت عنوان "کمیته مدیریت" در اجرای توافق مابین دولت‌ها در مورد ساخت و ساز پروژه خط لوله ترکمنستان، افغانستان و پاکستان برگزار شد.

این پروژه به عنوان "خط لوله سراسری افغانستان" شناخته شده است.

بدین صورت شرکای پروژه، احتمال و نصب خطوط نفتی و گاز را به صورت

۱. آقای ناربیف سفیر سابق جمهوری قزاقستان در جمهوری اسلامی ایران است. این مقاله توسط آقای مجید یعقوبی از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

موازی مورد تأیید قرار داده‌اند. به هر حال گاهی اوقات در رسانه‌های گروهی دنیا، این پروژه تحت عنوان خط لوله سراسری گاز افغانستان ذکر شده است. نتیجهٔ اولین گردهمایی از کمیته مدیریت در سطح وزراء، امضای تفاهم‌نامهٔ عشق‌آباد می‌باشد که نشان دهندهٔ تمایل طرفین در مورد اجرای پروژه خط انتقال گاز افغانستان<sup>۱</sup> بوده و مبنای آن نوآوری در جهان امروز می‌باشد.

مسائل مربوط به تحقیقات فنی و اقتصادی باید در راستای شکل‌گیری قرارداد قانونی پروژه قابل حل و فصل باشد. برخی روش‌هایی را که شرکای پروژه در نظر گرفته‌اند باید هر چه سریعتر در جهت ساخت و ساز خطوط لوله به کار گیرند. همچنین در پروتکل، "بانک توسعه آسیا"<sup>۲</sup> به اتفاق آراء به عنوان یکی از شرکای پروژه برگزیده شده است و آماده‌سازی نهایی در مورد امکان بررسی پروژه، انجام پذیرفت، که در مجموع فعالیت‌ها را در مدت زمان کوتاهی به اجراء درآورده و به آن اعتبار مالی می‌دهد.

برای تکمیل این پروژه در حدود ۳ تا ۵ میلیون دلار امریکا برآورد شده است، که بانک مجبور است در مدت زمان کوتاهی، بسیاری از عملکردهای پیچیده را تحت کنترل خود در آورده که شامل موارد ذیل باشد:

آماده سازی اطلاعات فیزیکی و زمین‌شناسی، برآورد خصوصیات تجاری و اقتصادی در ارتباط با پروژه، بررسی توانائی‌های بالقوه در مورد بازار کشورهای منطقهٔ جنوب آسیا متجمله هند، طرح برنامهٔ قابل اطمینان برای تشخیص مواد خام، یافتن سرمایه‌گذاران، کنترل رایزنی‌های چهارجانبه و غیره.

با این هدف کمیته مدیریت تمایل خود را برای کمک به بانک توسعه آسیا با تمام اطلاعات موجود از کشورهای شرکت‌کننده ابراز کرد. همچنین کمیته مدیریت اشتیاق خود را به سپردن تمام امکانات ممکن در جهت عملکرد بیشتر بانک نشان داده است. بانک مقرر کرد که یک طرح توافقی را مهیا سازد تا مفهوم توسعهٔ پروژه و ماهیت قواعد بین‌المللی در آن مشخص گردد.

1. TAGP

2. ABD (Asian Bank of Development)

در رابطه با همایش کابل، بر مبنای توسعه و مواردی که در بالا ذکر گردید تفسیر نهایی از انجام جزئیات پروژه با هدف مشخص شدن آخرین مهلت اجراء آماده شروع می‌باشد. همچنین رایزن اصلی هم انتخاب شده است. طبق تصمیمات گرفته شده در اولین همایش کمیته مدیریتی متن نهایی توافقات و دیگر اسناد مقدماتی را رؤسای سه کشور در عشق‌آباد در اکتبر ۲۰۰۲ امضاء کرده‌اند.

### **پیش زمینه از موضوع مورد بحث**

طبق اظهاراتی که به آن اشاره شد، اولین همایش کمیته مدیریت تحقق توافقات انعکاس یافته فی‌مابین دولت‌ها در ۳۰ مه ۲۰۰۲ در اسلام‌آباد می‌باشد که به امضای رئیس‌جمهور پاکستان ژنرال پرویز مشرف، رئیس‌جمهور ترکمنستان صفر مراد نیازوف و رئیس‌جمهور دولت انتقالی افغانستان رسید.

با این وجود لازم به ذکر است نشست سران که نهایتاً عاقبت پروژه خط لوله را مشخص نمود در پی یک دوره طولانی کاری مقدماتی صورت پذیرفت. پیشنهادهای ساخت خط لوله افغانستان به اواسط سالهای ۹۰ و به دوران قبل از طالبان برمی‌گردد. بسیاری از مؤسسات بزرگ نفت و گاز جهان تمایلشان را در اجراء و شرکت در این پروژه ابراز کرده‌اند. شرکت امریکائی نوکال<sup>۱</sup> که پروژه اصلی را به مرحله عمل رسانید، تحقیقات فنی و اقتصادی را برای تحقق پروژه به اجرا در آورده و مؤسسه "خطوط گازی آسیای مرکزی" را بنا نهاد.

شرکت یونوکال<sup>۲</sup> به عنوان متصدی و سهام‌دار اصلی اقدام کرد، و شرکت‌های عربستان سعودی دلتا اویل<sup>۳</sup>، دو شرکت درجه یک ژاپنی و یک شرکت کره‌ای و همچنین شرکت‌های دولتی گاز ترکمنستان و پاکستان به عنوان سهام‌دار کوچک عمل کردند.

1. Unocal

2. Unocal

3. Delta Oil

ژاپنی‌ها و کره‌ایها علاقمند به توزیع گاز مایع از ترکمنستان به بازارهای شرق جدای از بنادر پاکستان بودند که این تمایل تا به حال نیز ادامه دارد و قرار بر این شد که ساخت و ساز خطوط گازی از سال ۱۹۹۸ اجراء گردد. با این وجود، طبق وضعیت سیاسی پیچیده در اواخر سال ۱۹۹۰ و نتیجهٔ بد فعالیت طالبان و به واسطهٔ مسئله بی‌ثباتی در افغانستان این پروژه ناتمام ماند و شرکت نوکال آن را رها کرد.

در اقدام سه‌جانبهٔ رهبران کشورها که علاقمند به احیاء پروژه خط لوله افغانستان و ساخت مناسب و خوب می‌باشند، ابتکار عشق‌آباد در اوایل امسال سرو صدایی را ایجاد کرد که در کابل و اسلام‌آباد آنرا حمایت کردند. استنباط مثبت از این نظر، استفاده ریشه‌ای از فهرست تکنولوژی و اقتصادی را ترویج داد.

شرکت نوکال در اواسط ۱۹۹۰ به منظور آماده‌سازی پروژه، اطلاعاتی را از روش فعلی با رعایت قیمت جدید، ویژگی‌های کیفی و همچنین مواد مورد نیاز بازار جمع‌آوری کرد. در این مورد مدت ساخت و ساز می‌توانست اساساً کاهش یابد و آنها بر این باور بودند که شرکت نوکال در آینده به پروژه ملحق خواهد شد. با این وجود این پیشنهادات مورد قبول واقع نشد. بنابراین امروز به واسطهٔ تلاشهای سه‌کشور، پروژه خط لوله افغانستان قصد دارد گاز ترکمنستان را به بازار جنوب آسیا انتقال دهد که مجدداً در لیست پروژه‌های منطقه‌ای، توجه بالقوه سرمایه‌گذاران را به خود جلب می‌کند.

### شاخص‌های فنی و اقتصادی خطوط لوله

برحسب توافقنامه بین دولت‌ها که سران پاکستان، ترکمنستان و افغانستان آن را در ۳۰ مه ۲۰۰۲ در اسلام‌آباد امضاء کردند پروژه خط لوله افغانستان مسیری را از دولت‌آباد (جنوب شرقی ترکمنستان) از طریق قندهار (جنوب افغانستان) به گوآدار (بندر پاکستان) در کرانهٔ خلیج فارس اتخاذ کرده است.

طول خط لوله گاز در حدود ۱۵۰۰ کیلومتر (۹۳۵ مایل) می باشد که در حدود ۱۷۰ کیلومتر از طریق منطقه ترکمنستان، ۸۳۰ کیلومتر از طریق افغانستان و ۵۰۰ کیلومتر از طریق پاکستان صورت می گیرد.

بر طبق محاسبات موقت ظرفیت لوله ها در مرحله آغازین برابر با ۱۵ میلیارد متر مکعب گاز در هر سال می باشد و انتظار می رود در برخی از سال ها بهره برداری حجم گاز پمپ شده از طریق خط لوله افغانستان، به ۳۰ میلیارد متر مکعب برسد که نیازهای فزاینده و سریع کشورها همسایه این منطقه را تأمین می کند. پیش بینی می شود که ساخت پروژه خط لوله مذکور تا سال ۲۰۰۵ به اتمام برسد. مخارج پروژه در حدود ۲ میلیارد دلار آمریکا می باشد.

با این وجود متخصصان معتقدند که پروژه بیش از ۳ و یا ۴ میلیارد دلار هزینه در بر خواهد داشت. بانک توسعه آسیا مسؤولیت مالی پروژه را بر عهده گرفته است. بانک جهانی نیز تمایلش را به شرکت در پروژه اعلام کرده است. با این وجود بر هر شخصی روشن است که حتی مشهورترین مؤسسات در جهان همچون بانک توسعه آسیا و بانک جهانی نمی توانند تمام حمایت مالی خود را نسبت به چنین شرکت وسیعی که تحقق آن نیازمند سرمایه گذاری کلان می باشد بر عهده گیرند.

بنابراین بانکها با یافتن سرمایه گذار در مدت زمان کوتاه و به اندازه مورد نیاز که علاقمند به ساخت پروژه خط لوله افغانستان می باشند، این مشکل عمده را حل خواهند کرد.

طرح شبکه گاز از منطقه گاز خیز دولت آباد آغاز می گردد که ذخایرش بر طبق گزارش برخی متخصصان در حدود ۱۷۵۶/۶ میلیارد متر مکعب می باشد.

این منطقه در بخشی از مرز ترکمنستان - افغانستان واقع شده است. که مقام پنجم را در بین طبقه بندی مناطق گاز خیز جهان در دست دارد.

بر طبق گزارش مدیریت اطلاعات - انرژی در جولای ۲۰۰۱ دو شرکت دی گوبیر<sup>۱</sup> و مک

1. De Gobyer

ناکتن<sup>۱</sup>، میزان تخمین مواد در این زمینه و اعطای گواهینامه را برعهده داشته است. در چارچوب پروژه خط لوله افغانستان ساخت راه اصلی جدید در انتهای خط گازی بندر گوادر مد نظر می باشد که در دریای ماکران و خط ساحلی پاکستان واقع شده است و هزینه آن در حدود ۲۵۰ میلیون دلار امریکا می باشد. همچنین یک خط راه آهن و یک خط انتقال دهنده به طور موازی با شبکه گازی زیرزمینی در نظر گرفته شده است.

نظر به اینکه، تنها کار زیربنایی برای تمام ساختارهای مهندسی و سیستم امنیتی رایج می باشد، این تصمیم در کاهش هزینه کل تاثیر دارد. به سبب ساخت بندر در منطقه گوادر، بازسازی در سطح وسیعی به اجراء درآمده است که این اقدام نیازهای امروزی را به منظور انتقال گاز فشرده به کشتی ها رفع خواهد کرد.

گاز تهیه شده در کارخانه برای تولید نوع فشرده طراحی شده است که مستقیماً در مجاورت بندر ساخته می شود. مراکز پر قدرت متراکم کننده گاز در منطقه گوادر ایجاد خواهد شد، بعلاوه دوباره سازی پروژه به منظور امکان ساخت پایانه های بارگیری نفت برای پمپ کردن تولیدات پترولیوم فراهم می گردد.

همچنین خطوط نفتی در آینده ای نزدیک در بندر نصب می گردد، عمق آب در این قسمت از بندر اجازه حمل محموله ها را به ابر نفتکش ها و کشتی های باری خواهد داد و همچنین تجهیزات فنی بندر این اجازه را می دهد تا حجم عظیمی از انواع مختلف باربری در آن صورت گیرد.

یکی از مراحل رایج بازسازی بندر، پیش بینی ساخت راه موتوری جدید در کرانه ماکران بوده که در عین حال متصل کننده بندر پاکستان به ایران می باشد.

بندر گوادر راه خروج به دریا را برای کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان ایجاد می کند که گنجایش بالقوه آن بعد از بازسازی، یک محرک مناسب برای سرازیر شدن سرمایه های

خارجی به داخل این منطقه می‌باشد.

بنابراین حتی چین که اولین حمایت‌کننده در ساخت بندر می‌باشد، از قبل آمادگی خود را برای ادامه کار و مشارکت در بازسازی بندر گوادر اعلام کرده است.

جمهوری خلق چین تمایل به ایجاد منطقه مهم استراتژیکی در مورد حمل و نقل انواع هیدروکربنات خام توزیع شده از منطقه آسیای مرکزی را دارد و آنها از این لحاظ غنی بوده و در این مورد امیدوارند که منبعی از ذخایر انرژی را بدست آورند.

به علاوه بندر گوادر که نزدیک به ایالت غربی جمهوری خلق چین در کرانه شرقی واقع شده است به این معنا می‌باشد که این مسیر هزینه کمتری را در برداشته و حمل و نقل محموله از این ایالت به صرفه‌تر می‌باشد.

## منابع اقتصادی کشورهای شرکت‌کننده در خط لوله گاز افغانستان و تغییرات احتمالی در موقعیت سیاسی جغرافیایی منطقه، در صورت ساخت و ساز پروژه

طبق نظریه تحلیلگران و متخصصین در امور نفت و گاز با توجه به سهام‌های کلان‌گازی و همچنین گستردگی آن در بازارهای تجاری افغانستان و پاکستان و دیگر کشورهای جنوب آسیا بیانگر سوددهی پروژه خط لوله مذکور می‌باشد حتی در مورد هند که مصرف‌کننده بزرگ هیدروکربنات خام بوده و از چشم‌انداز تجاری خوبی نیز بهره می‌برد و از شرکت در پروژه خودداری کرده است.

متخصصین معتقدند که در مرحله بعدی پروژه در صورتی که کشورهای شرکت‌کننده تصمیم به ساخت لوله نفتی به موازات خط‌گازی بگیرند اهمیت پروژه در منطقه گسترش می‌یابد.

در طی آخرین مذاکرات بین طرفین قرارداد، که پیش از این تعیین شد، امکان تغییر نتایج در آینده مد نظر قرار گرفت.

پروژه خط لوله افغانستان تحت شرایط دلخواه توانایی ایجاد شبکه خطوط گازی و نفتی را دارا می‌باشد و زیربنای شکل‌گیری حمل و نقل انرژی بوده که کریدور منطقه‌ای و سیستم خطوط را تشکیل، و سوددهی را برای کلیه کشورهای که در این منطقه واقع شده‌اند به ارمغان می‌آورد.

### ترکمنستان

برخی ناظران معتقدند که ترکمنستان با امکان صادرات بالقوه گاز طبیعی ممکن است برای اولین بار در این کشور یک راه خروجی قابل اطمینان و سودمند علاوه بر کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به بازارهای جهانی عرضه نماید.

اکنون تنها خط اصلی و عمده برای صادرات گاز ترکمنستان از دری لیک<sup>۱</sup> به اروپا از طریق مناطق ازبکستان، قزاقستان و روسیه می‌باشد.

اجراء خط لوله گاز در داخل مرزهای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع می‌باشد که مجهز به امکانات منسوخ بوده و در نتیجه به جای ۹۰ تا ۱۰۰ میلیارد مترمکعب گاز که از قبل برآورد شده است، این خط لوله گاز میان ایالتی تنها قادر است ۶۵ تا ۷۰ میلیارد مترمکعب را تحت پوشش قرار دهد.

در نتیجه ترکمنستان به واسطه ضعف در جبران ظرفیت پیشین، هنگامی که صنعت گاز با میزان پس مانده عظیمی از مواد خام فروخته نشده در حالت رکود باقی بماند در آینده نزدیک با مشکلاتی مواجه خواهد شد که تأثیر منفی بر روی صادرات گاز ترکمنستان گذاشته و همچنین نتیجه آن در کاهش عملکرد سوددهی نمایان می‌گردد.

ترکمنستان همانند تحلیل‌گران در چهارچوب پروژه گاز خط لوله افغانستان بر این باور می‌باشد که به اندازه کافی گاز برای صادرات به غرب وجود دارد.



به علاوه، همزمان با پمپ کردن گاز موجود در خط لوله ترکمنستان، آنها با یک مشکل جدی تحت عنوان وجه پرداختی به منظور فراهم آوردن مواد خام مواجه می‌باشند. کشورهای مستقل مشترک‌المنافع طبق برنامه، ۵۰ درصد کالا و ۵۰ درصد وجه نقد پرداخت می‌نمایند که طرف ترکمنستان از این قرارداد ناراضی می‌باشد. اعتراض‌ها از دوران مزایده‌گاز به کشور روسیه آغاز شد که آنرا از ترکمنستان به قیمت ۴۵ الی ۴۶ دلار از هر هزار متر مکعب بدست می‌آورد، در حالیکه همان گاز هم اکنون به قیمت ۱۲۰ دلار در هر هزار متر مربع به اروپا فروخته می‌شود.

خط لوله افغانستان یک عملکرد کاملاً متفاوت را پیشنهاد می‌کند. متخصصین معتقدند با توجه به گرایشاتی که در بازار جهانی گاز وجود دارد، با تکمیل ساخت خط لوله در سال ۲۰۰۵ بهای گاز ترکمنستان در مرز افغانستان و ترکمنستان می‌تواند به ۵۰ تا ۶۰ دلار آمریکا در هر هزار متر مکعب برسد که مصرف‌کننده‌ها آن را به صورت ارز داخلی پرداخت می‌نمایند.

## افغانستان

افغانستان که طی جنگ‌های چند دهه ویران شده است نیاز فوری به بازسازی اقتصادی دارد و از خط لوله گاز می‌تواند در حدود ۳۰۰ میلیارد دلار از درآمد سالانه خود را صرف اشتغال برای ۱۲ هزار نفر، سوخت ارزان و ثبات داخلی به کارگیرد که یک زیربنا برای توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌باشد و این نظریه را اکثر تحلیلگران بین‌المللی تأیید کرده‌اند حتی این چنین مسئله مهم، به عنوان یک فرصت در تضمین امنیت خطوط گاز در منطقه افغانستان بوده و هیچ نگرانی را برای آنها ایجاد نمی‌کند.

به عقیده آنها این خط لوله نه تنها قادر به فراهم آوردن امور رفاهی مردم می‌باشد بلکه خود نیز یک عامل اصلی در تأمین امنیت منطقه است.

آنها همچنین بخشی از مناطق افغانستان که در آینده قرار است خط لوله در آنجا نصب گردد مورد بررسی قرار داده‌اند و به طور کل پنج حوزه در قسمت شمال و جنوب کشور واقع شده

است و تحت کنترل رهبرانی می‌باشد که پروژه را مورد تأیید قرار داده‌اند.

بنابراین اسماعیل خان که خودش را "امیر" معرفی کرده است رهبری سه ناحیه را بر عهده دارد او رابطه نزدیکی با آمریکاییها داشته و در حالیکه وزیر دفاع امریکا از افغانستان بازدید می‌کرد از اسماعیل خان نیز ملاقاتی به عمل آورد.

رهبری دو ایالت دیگر که قرار است خط لوله در آن نصب گردد به عهده گل آقا شیرازی می‌باشد. او نیز همکاری نزدیک با ایالت متحده داشته و در نظر دارد در اسرع وقت به ایالت متحده رفته و طی این سفر ملاقاتی با جورج بوش داشته باشد.

البته به این معنا نیست که در جلب توجه دیگر رهبران ایالتی افغانستان نسبت به امتیازات پروژه و همچنین در بدست آوردن رضایت آنها برای اجراء پروژه عملی صورت نخواهد گرفت. مجمع اقتصاد بین‌الملل از امکان فرصت‌های مهم دیگر که امنیت خط لوله را در منطقه افغانستان تضمین می‌کند و ممکن است امتیاز بین‌المللی را به همراه داشته باشد جلوگیری به عمل نمی‌آورد.

به نظر آنها، این پروژه که از حمایت رئیس‌جمهور ترکمنستان برخوردار است نیاز به بررسی آن به عنوان یکی از معیارهای جامعه بین‌الملل داشته که هدف آن احیاء و بازسازی افغانستان می‌باشد و تحت حمایت سازمان ملل متحد قرار گرفته است.

نظر به اینکه تأمین بودجه منطقه افغانستان که تحت نظارت سازمان ملل و بودجه مربوطه می‌باشد، این سازمان بین‌المللی مورد تأیید، می‌تواند به عنوان یک ضامن سیاسی و مشروع در ساخت شریان‌گاز و امور مالی عمل کند.

تعدادی از اقتصاددانان و سیاستمداران، مشارکت سازمان ملل متحد را در پروژه مورد بررسی قرار داده و آنرا موجه و مناسب می‌پندارند، به علاوه وظایفی را که کشورها عضو پروژه به عهده دارند کاملاً منطبق با قوانین اصلی می‌باشد که هدفشان از بازیابی بعداز جنگ و ثبات در افغانستان دستیابی به پیشرفت بوده و همچنین قصد ترویج توسعه اجتماعی در منطقه را دارند.

## پاکستان و هندوستان

در مورد پاکستان به نظر متخصصین بین‌المللی پروژه خط لوله گاز افغانستان کمبود انتقال انرژی را که از قدیم‌الایام تأثیر مخرب بر روی اقتصاد و سیاست داشته است را کاهش خواهد داد و این احتمال وجود دارد که در دسترس بودن خط لوله گاز، یکپارچگی اقتصادی و سیاسی را برای کشور پاکستان به ارمغان آورده و توزیع منابع هیدروکربن در آسیای مرکزی از طریق این کشور به بازارهای جهانی صورت پذیرد و این پروژه روابط اقتصادی و بازرگانی را با بسیاری از ایالت‌های شرق آسیا استحکام بخشد.

رئیس‌جمهور پاکستان پرویز مشرف، خط لوله افغانستان را خیلی سودمند و مهم برای کل منطقه عنوان کرده است. ضروری است که خاطر نشان کنیم سران کشور پاکستان در تمام مدت سعی به استقبال از پروژه‌های قدرتمند داشته تا گرایش را برای کشورهای همسایه همانند هند به وجود آورند و لازم است که دیگر کشورهای مهم پروژه از قبیل ترکمنستان، افغانستان و پاکستان را مد نظر داشته باشیم.

آخرین مرحله از این خط لوله در شهر ایولتا<sup>۱</sup> در پاکستان می‌باشد که در ایالت پنجاب واقع شده است و فرض بر آن شد که خط لوله گاز از آن ایالت تا کشور هند که در حدود ۶۵۰ کیلومتر می‌باشد گسترده شود. به علاوه طبق برنامه پروژه ایران می‌تواند به این سیستم متصل گردد.

علیرغم اینکه کشور هند نیازمند به مقادیر زیادی از مشتقات هیدروکربنات خام می‌باشد تمایل خود را به شرکت در این پروژه ابراز نکرده است و این احتمالاً به علت ترس از وابستگی به کشور پاکستان بوده و رابطه نزدیکی که با آن دارد. با توجه به اینکه پروژه در اصل از بازار توانمند هند نشأت گرفته است بعد از کنار کشیدن این کشور، پروژه جذابیت خود را از دست می‌دهد و این موضوع از زمانی آغاز شد که کشورهای افغانستان و پاکستان در به ثمر رساندن تمام هیدروکربنات قابل توزیع از طریق خط لوله ناکام ماندند.

1. Eulta

امروزه این پروژه امکان مشارکت هند را نفی نمی‌کند. با این وجود این کشور در حال بررسی جزئیات پروژه می‌باشد به خصوص طبق اطلاعات موجود یک مسئله جدی در مورد پروژه ایران، پاکستان و هند وجود دارد و آن پیش‌بینی توزیع گاز به هند از طریق ایران و منطقه آبی پاکستان در دریای عرب می‌باشد.

با این وجود کشور هند این پیشنهاد را که کمترین وابستگی را نسبت به پاکستان ایجاد می‌کند، مورد بررسی قرار می‌دهد. هزینه پروژه در حدود ۳ میلیارد دلار امریکا برآورد شده است. رضایت اولیه برای شرکت در پروژه را به جز ایران، هند، پاکستان گاز پروم<sup>۱</sup> روسیه و یک شرکت استرالیایی ارائه داده است که در آن پیشنهاد آماده سازی برای بررسی مورد مربوطه اعلام گردید.

در همین زمان، در راستای اجرای پروژه، روسیه و هند در حال بررسی امکان نصب خط لوله در بستر دریا و در آن سوی منطقه آبی پاکستان می‌باشند. در این رابطه ایران در مورد امکان بررسی برای آماده سازی این نوع متفاوت، از شرکت ایتالیایی صنم پروژه<sup>۲</sup> کمک گرفت. با این وجود متخصصین نصب خط لوله‌گازی مشروط به آنکه عمقی بین ۲۰ تا ۲۵ داشته باشد را بسیار پرهزینه برآورد کرده‌اند.

نتایج مقدماتی باید برای دسامبر ۲۰۰۲ آماده می‌شد، با این حال گاز پروم احتمال این مشکلات را در خلال تحقق نوع دوم و پیشنهاد در بهتر شدن پروژه اول پیش‌بینی کرده بود. اصل پیشنهاد ایجاد مسیر خط گاز در منطقه خشک ایران می‌باشد، البته تاحدی که از لحاظ فنی امکان پذیر بوده و بخش کوچکی از آن از طریق دریای پاکستان صورت پذیرد. استفاده از منطقه پاکستان حیاتی می‌باشد، زیرا این قسمت از بستر دریا بسیار مناسب برای نصب خط لوله است که در مجموع کشور هند هم بر علیه این پیشنهاد مخالفتی ابراز نکرده است.

با این وجود به عقیده آنها پاکستان باید تعهداتی را بر عهده گیرد مبنی بر آن که تحت هیچ

1. Gas Prom

2. Snamproject

شرایطی نیاید از خط لوله گاز موجود در منطقه خود همچون وسیله تأثیرگذار بر علیه کشور هند استفاده کند و همچنین خواستار امنیت تمام عیار از خطوط گاز در این ناحیه بر ضد فعالیت‌های تروریستی می‌باشد.

رهبر پاکستان آماده است تا هرگونه ضمانتی را در ارتباط با خطوط گاز در این کشور، چه از مسیر آبی و چه خاکی برعهده گیرد و واضح است که در صورت حمل و نقل و اجرای پروژه‌های هیدروکربنات با میزان بالا در سطح بازارهای بین‌المللی منطقه پاکستان بزرگترین مرکز انتقال نفت و گاز خام در این منطقه خواهد شد.

### نتیجه

ورود به بازارهای توانمند جنوب شرقی آسیا در مورد میزان گاز اضافی و احتمالاً به تازگی نفت در ظرف ۳ یا ۴ سال آینده نه تنها اقتصاد بلکه به مقدار زیاد موقعیت سیاسی - جغرافیایی منطقه را نیز تغییر می‌دهد.

مسئلاً اعضای مختلف از جامعه بین‌المللی احتمال گسترش این موقعیت را با دیدی باز به طور یکسان مورد بررسی قرار می‌دهند. با توجه به نتیجه بدست آمده از اجرای پروژه در درجه اول، جایگاه پروژه خط لوله افغانستان در مورد کشورهای روسیه و ایران براساس میزان خسارت‌های احتمالی تعیین می‌گردد.

همان طوری که قبلاً به آن اشاره شد، به علت پمپ کردن گاز ترکمنستان از طریق خط لوله روسیه این کشور با مشکل کاهش واردات مواجه می‌شود.

در موقعیت فعلی روسیه سعی به ثبات خود در منطقه جنوب آسیا دارد و فعالیت خود را به همراه ایران بر روی توسعه خطوط ایران، پاکستان، هند<sup>۱</sup> که قبلاً به آن اشاره شد، متمرکز کرده است.

موردی را که کشورهای عضو پروژه به کرات آنرا بیان کرده‌اند، فرصت ملحق شدن ایران به

این سیستم می‌باشد در صورت ضعف در ساخت و ساز خط لوله ایران، پاکستان، هند احتمالاً ایران این روش را در پیش خواهد گرفت و یا در دو پروژه به طور همزمان شرکت می‌کند. برخلاف این موضوع، روسیه هنگامی که ایالات متحده مخالفت خود را از ملحق شدنش به پروژه خط لوله افغانستان ابراز کرد هیچ فرصتی برای این کشور باقی نگذاشت.

ایالات متحده سرسختانه سعی به مخالفت با طرح‌های ایران در مورد خط لوله دارد. بنابراین، زمانی که ایران در این پروژه نقش کلیدی را ایفا کند و تأمین کننده اصلی گاز برای کشور هند باشد، فرصت‌های ایالات متحده در مورد ایران، پاکستان، هند شدیداً کاهش می‌یابد. لذا در این رابطه، هر فعالیتی بر ضد فروشنده گاز یعنی ایران به این معنا می‌باشد که در درجه اول لطمات جبران ناپذیری به کشور هند، یکی از هم‌پیمانان ایالات متحده وارد خواهد شد.

بنابراین چنانچه متخصصین، پروژه ایران، پاکستان، هند را از هر لحاظ حتی قابل اجراء و سودمند تشخیص دهند و همچنین هند تمایل به تحقق آن داشته باشد ایالات متحده به سختی بتواند از اجرای این پروژه ممانعت به عمل آورد.

بهتر است حقیقت گفته شود که نادیده انگاشتن مدیران آمریکایی که سرمایه‌گذاران خارجی را با عنوان کمک مالی تحت فشار قرار می‌دهند تا از پروژه جلوگیری به عمل آورند کاملاً اشتباه می‌باشد.

ایالات متحده حمایت اولیه خود را در رابطه با طرح خط لوله افغانستان اعلام کرده است. این موقعیت می‌تواند با دلایل مرتبط به هم در چند جمله ذیل ذکر شود:

- تمایل به ایجاد راه خروجی در مورد نفت و گاز طبیعی از دریای خزر به بازارهای جهانی (ترکمنستان)

- نیاز به کسب موقعیت در بحث ثبات جایگاه در افغانستان
- تلاش به تقویت بخشهای اقتصادی و سیاسی در پاکستان
- ترویج به تشدید روابط دوستانه بین کشورهای پاکستان و هند

بعد از به کار انداختن پروژه خط لوله مذکور ایالات متحده قاطعانه به این حقیقت پی برد که روسیه بیشتر از این نمی تواند خود را به ترکمنستان تحمیل نماید و از امکاناتش به نحو مطلوب بهره گیرد.

در نتیجه ممکن است برخی مسائل در رابطه با صادرات گاز روسیه به اروپا رخ دهد و این دگرگونی کاهش جریان درون ریز را در پی خواهد داشت.

ایالات متحده نسبت به نتیجه ساخت و ساز نواحی ساحلی در دریای پاکستان که بزرگترین بندر هیدروکربنات خام در آسیای مرکزی می باشد، هیچ اعتراضی ندارد.

به علاوه کشورهای متحد در این منطقه از قبیل ژاپن، کره جنوبی، هند و کشورهای دیگر قادر هستند تا فرصتهایی را منطبق با انتقال دهنده های انرژی برای خودشان ایجاد کنند.

متخصصین بین المللی این را هم در نظر گرفته و تنها مسأله ای که در مجموع باعث شده است ایالات متحده و تعدادی از کشورهای غربی شکایتی علیه پروژه نداشته باشند، تولید مواد ثانوی در خاورمیانه و نیز ایجاد مرکز توزیع هیدروکربن خام در آسیای مرکزی می باشد و این احتمال وجود دارد که آمریکا و دیگر متفقین امیدوار باشند که این موضوع منجر به تعادل و ثبات در بازار توانمند جهانی گردد چنانچه این فرض مطابق با حقیقت باشد، آن وقت به سختی می توان یک عکس العمل مثبت از کشورهای تولید کننده نفت در خاورمیانه دریافت کرد.

در همین زمان، ایده ای که در محافل سیاسی علیرغم تأیید مقدماتی از پروژه وجود دارد، این است که ایالات متحده از تصمیم صریح در رابطه با روش خط لوله افغانستان جلوگیری به عمل آورده و در کل خودشان را با اعلام پشتیبانی از پروژه راضی نگه می دارند.

علیرغم اینکه ایالات متحده با به کار افتادن پروژه خط لوله افغانستان دچار دردسر می شود، اما همراه با متحدینش در آسیای جنوب شرقی منجمله چین و کره شمالی به انتقال دهنده های انرژی به میزان زیادی دسترسی پیدا می کنند.

طبق بررسی تحلیلگران به این دلیل ایالات متحده قبل از اعلام آخرین وضعیت خود، دیگر مواردی را که تأثیر بر نتیجه پروژه دارد، مورد بررسی قرار می دهد.

به هر حال تحت این شرایط شرکت‌های سرمایه‌گذار بزرگ بین‌المللی مهمتر از موارد دیگر در نظر گرفته شده و دستیابی به آنرا حتی برای ایالات متحده با مشکل مواجه می‌سازد. مشکلاتی که پروژه با آن مواجه است به نظر جدی می‌آید، با این وجود مانع از این می‌شود که ایالات متحده و کشورهای غربی تصمیم روشنی از مواضعشان در رابطه با پروژه خط لوله افغانستان بگیرند.

علیرغم خبرهای خوشبینانه از دولتمردان کشورهای عضو پروژه خط لوله مذکور، حقایق مشهود ذیل این روزها تعدادی از سرمایه‌گذاران در این پروژه را به طور جدی به وحشت انداخته است:

- جایگاه نامن در سرزمین‌های جدای از افغانستان

- بی‌ثباتی در وضعیت داخلی پاکستان و رودررویی هند و پاکستان

- تهدیدگاه و بیگاه در مورد گسترش کشمکش هسته‌ای

بنابراین ایالات متحده سعی دارد از مفهوم کلی پروژه به عنوان یک وسیله از وسایل بی‌شمارش سود برده و در نتیجه وضعیت موجود بهتر خواهد شد.

ظاهراً به علل نتایج عملکرد و پیشرفت موجود در وضعیت منطقه ایالات متحده و متحدینش سرانجام روش صحیح را در قبال پروژه خط لوله مورد بحث اتخاذ می‌کنند. در همین زمان نیاز است تا بسیاری از مسائل که در رابطه با این منطقه قبلاً حل و فصل شده است و برخی تغییرات اشاره شده که امید بهتر شدن وضعیت را به ما نوید می‌دهد، مورد توجه قرار گیرد.

به عقیده بسیاری از ناظران بین‌المللی در خصوص امتیازات متعدد برای هر شخص، خط لوله ممکن است رهبران منطقه‌ای و بومی را وادار سازد تا احساس مسئولیت بیشتری در قبال این پروژه داشته باشند.